



نگاهی به مقلدان فردوسی در دوره بعد از حمله مغول

# حماسه سرایی در دوره دوم تاریخ اسلامی

افسانه حصیری

کلاه گوشه خورشید چون پدید آید  
ستارگان به حقیقت فرو نهند کلاه

اگر بخواهیم تاریخ ایران بعد از اسلام را از حیث سیاسی و سلطنتی با همه زوایا و حواشی موجود، چه از حیث اجتماعی و آداب معیشتی و آبادانی و رواج علم و... بررسی نماییم به دو موج کاملاً متفاوت برمی خوریم. دوره اول که از حمله اعراب به ایران و استقرار حکومت‌های مختلف ایرانی و اسلامی نیمه مستقل و مستقل شروع می‌شود، تا دوره حمله ویرانگر مغول و اواخر حکومت خوارزمشاهیان ادامه می‌یابد. در این دوره شاعران و دانشمندان بزرگی ظهور کرده‌اند که الحق، به فرموده پیامبر اکرم (ص) حکمت را از سیاره زهره به زیر کشانده‌اند. این دوره، دوره ابداعات، نوآوری‌های علمی، شکوفایی استعدادها و تربیت دانشمندان بزرگ جهانی بود.

دوره دوم که با حمله مغول شروع می‌شود و تا استقرار ایلخانان مغول و تیموریان و صفویان و غیره ادامه می‌یابد، از حیث علم و دانش و نوآوری‌های علمی و سرایش منظومه‌ها و اشعار بدیع و بی‌بدیل، نسبت به دوره اول کم‌رنگ‌تر است. ویرانی‌های حمله مغول و سپس مدت آبادانی نسبی اقصی نقاط ایران پهناور آن زمان خود، دستکم فرصت

«شاهنامه» اثر گرانسنگ حکیم ابوالقاسم

فردوسی پیش از هر چیز محصول نبوغ و خلاقیت ادبی پدیدآورنده آن است. این اثر که دو دوره اسطوره‌ای و تاریخی ایران را در برمی‌گیرد، در طول زمان بارها از سوی شاعران و ادیبان مورد تقلید قرار گرفته است، گرچه هیچ‌گاه هیچ اثری به لحاظ شکل و محتوا، قدرت هم‌وردی با شعر فردوسی و اثر بی‌بدیل او را نداشته است.

گفته‌اند که «تقلید» بهترین نشانه «تحسین» است. اگر این تعبیر را بپذیریم، باید اذعان

کنیم که مقلدان فردوسی، به نوعی

«تحسین‌کنندگان» او نیز هستند. در جستاری

که پیش رو دارید، نویسنده با اشاره به آثاری

همچون «چنگیزنامه»، «ظفرنامه»، «تاریخ

منظوم مغول»، «تاریخ منظوم تیمور» و چند

اثر دیگر که جعلگی به تقلید از سبک فردوسی

پدید آمده‌اند، حماسه سرایی در ایران را پس از

حمله مغول توضیح داده است، بی آن که

عنایت و اشاره‌ای به آثار تقلیدی یکصدساله

اخیر داشته باشد.

علاوه بر این متأسفانه در جستار حاضر،

نویسنده، «حماسه‌های دینی» را که فصل

بزرگی در ادب پارسی است، مورد غفلت یا

تغافل قرار داده است، امید که در مقاله‌ای

دیگر، این گونه آثار را نیز

مورد بررسی قرار دهد.

صدساله‌ای می‌طلبد و چه بسا فوت فرصت‌ها و اختناق‌های استعدادی و علمی و دگرگونی‌های فرهنگی که در اثنای این هرج و مرج‌ها مانع شکوفایی علم و فرهنگ و هنر ایرانی گردیده است؛ و باز اگر همت و تلاش دانشمندانی چون خواجه نصیر طوسی و دیگران نبود، وضع از آنی که بود، به مراتب بدتر و اسفناک‌تر می‌شد.

شاید به عبارت روشن‌تر بتوان چنین گفت که دوره اول، دوره تولید و ابداع بود؛ و دوره دوم، دوره تقلید و محاکات، یا تحشیه نویسی و تعلیقه‌نگاری بر آثار دوره اول.

اگر بخواهیم به عنوان بهترین نمونه، از یکی از آثار مهم دوره اول نام ببریم و بازتاب آن را در دوره دوم بررسی کنیم، چیزی جز شاهنامه حکیم فردوسی طوسی در ذهن متبادر نمی‌شود.

همواره از قدیم آثاری که به تقلید از یک شاهکار ادبی به وجود می‌آید، به جرم تقلید، مورد کم‌توجهی و بی‌مهری آیندگان قرار می‌گرفت.

بهترین مثال شاهد این مدعا آن است که چه بسا اجرام سماوی و انجم که در برابر خورشید عالم تاب رنگ می‌بازند، بلکه هرچه دارند از برکت وجود اوست که تعیین می‌یابند و منظور نظر می‌شوند.

حال، آثاری که در طول تاریخ به تقلید از یک اثر

مشهور عالم شمول متولد می‌شوند و خواه ناخواه جا پای آثار بزرگان گذشته می‌گذارند، به‌طور ناانصافانه‌ای تحت الشعاع شهرت و عظمت آن اثر قرار می‌گیرند و به ندرت مورد توجه قرار می‌گیرند. آثاری چون گلستان سعدی، خمسه نظامی، مثنوی مولوی، حدیقه سنایی، منطق الطیر عطار به دلیل بی‌نظیر بودنشان در قله قاف، سیمرغ وار می‌درخشند و در اعلا مکان ادب فارسی به خود می‌بالند؛ و یا اسلوب گفتار حافظ و سعدی و مولوی در غزل که خود صاحب سبک شخصی هستند، بهترین منبع الهام و تقلید آیندگان بوده است، و این خود بر همگان روشن است.

در این میان، شاهنامه فردوسی که حاصل سی سال عمر پربرکت حکیم طوس است، جای دیگر دارد. چه بسیار آثار حماسی منظوم و مثنوی به تقلید از این شاهکار ادبی جامعه بشریت، قدم به عالم وجود گذاشته‌اند و به جرم تقلید و تتبع و محاکات مورد بی‌توجهی و بی‌اعتنایی آیندگان قرار گرفته‌اند.

یکی از اشتباهات بزرگ و انماض ناپذیر محققان و منتقدان در ادبیات ایران همین جاست که به ندرت دیده از خورشید بر گرفته و به سیر در عالمی که در عین پایین‌تر بودن خالی از تنوع و عاطل از حلیه فواید فراوان نیست، نپرداخته‌اند. آنجا که پای حماسه بزرگ ملی ایران، یعنی شاهنامه فردوسی به میان آمده، ده‌ها اثر قابل اعتنا و توجه به جرم این که یا جای پای فردوسی گذاشته و مقلد او شده و به عبارت دیگر خواسته‌اند حماسه ملی یا تاریخی یا دینی بسازند، از چشم محققان افتاده‌اند؛ در حالی که نه جلال و شکوه آفتاب عالم‌تاب مانع از تجلی اختران است و نه سیر در عالم کواکب و مطالعه در لطف و زیبایی نجوم منافی اعتقاد به قدر و ارزش خورشید است، بلکه تأمل وافق و مطالعه دقیق در زوایای عالمی که جلوه وجود و پرتو حیات خود را مدیون وجود جرم روشن خورشید است، راهی مستقیم به سوی درک وسعت دامنه تأثیر و تنوع آثار و عظمت نیروی مؤثر اصلی به شمار می‌رود.

به جرأت می‌توان گفت که شاهنامه فردوسی بیش از دیگر آثار ادبی مورد تقلید قرار گرفته و به عبارت دیگر این اثر عظیم حماسی، در تحریک سرایندگان به تقلید و پیروی از خود، مقام اول را داراست.

از مهمترین دلایل این امر می‌توان به رغبت و عنایت خاص ملوک و سردمداران به حماسه و شاهنامه سرایی اشاره کرد؛ و نیز وسعت میدان طبع آزمایی که در حماسه و بخصوص در مثنوی سرایی به شیوه و وزن شاهنامه بیشتر و سهل‌تر است. به‌طور کلی، مقلدان شاهنامه را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: گروه نخست، شاعرانی بودند که به ذوق شخصی و تحت تأثیر جذبه شاهنامه یا به تشویق و اشارت بزرگانی که آرزوی احیا و

## □ مقلدان شاهنامه فردوسی، به

سه دسته تقسیم می‌شوند:

### گروه نخست شاعرانی که با ذوق

شخصی و تحت تأثیر جان‌به

شاهنامه با آرزوی احیای

حماسه‌های ملی ایران،

اقدام به کار کرده‌اند.

### گروه دوم شاعرانی که برای تقرب

به دربار شاهی با چشمداشت به

کار سترگ فردوسی اقدام کردند و

سومین گروه آنانی‌اند که از جانب

یکی از پادشاهان یا امیران عصر،

مأمور شدند تا کارنامه فتح‌های

آنان را به نظم در آورند.

جاودانگی مابقی مواد حماسه‌های ملی ایران را داشتند و به عشق تکمیل کار فردوسی، به امید آن که نام ایشان نیز به برکت نام فردوسی جاودانه شود، اقدام به این کار نموده‌اند.

گروه دوم، شاعرانی هستند که به امید پاداشی بزرگ یا به نیت تقرب به دربار شاهی یا بزرگی اقدام بدان ورزیده‌اند.

و در نهایت دسته سوم، شاعرانی هستند که از جانب یکی از پادشاهان یا بزرگان عصر مأمور نظم کارنامه جهان‌گشایی‌ها و جهان‌نداری‌های او می‌شدند. (۱)

اگر به مقلدان شاهنامه بنگریم، از این میان آن‌چه از نظر بسامدی و حتی کیفیت بیشتر جلوه‌نمایی می‌کنند، آثاری هستند که جنبه تاریخی دارند و به شیوه نظم به روایت تاریخ جهان‌گشایی و رشادت‌های یکی از بزرگان عصر خود پرداخته‌اند، و این امر در مطالعات تاریخ‌نگاری عصرهای مذکور می‌تواند یکی از منابع انسانی مهمی به شمار آید.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان گفت که دوره دوم تاریخ اسلامی، که بعد از حمله مغول و استقرار ایلخانان مغول در ایران شکل گرفت، دوره‌ای است که به زعم اکثر محققان دوره ابتدال و پس‌روی و جهش قهقرایی در آثار ادبی به شمار می‌رود. انصاف

نباید داد که حماسه‌های تاریخی این دوره بیش از حدی که بی‌ارزشی و ابتدال آن منظومه‌ها ایجاب می‌کرد، گمنام و مجهول مانده‌اند، و اگرچه با وجود تواریخ معتبری چون جهانگشای چوینی و جامع‌التواریخ و تاریخ و صاف و ظفرنامه شامی و ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی و زبدة‌التواریخ بایسنقری و غیره که جامع اسناد راجع به دوره مغول و بعد از آن است، یک محقق تاریخ را از مراجعه به دیگر آثار منظوم و متون حماسی مزبور بی‌نیاز نمی‌کنند. حماسه‌های دوره دوم، اگرچه از حیث صلابت و استواری، هیچ‌گاه به پای شاهنامه حکیم فردوسی نمی‌رسند، باز من حیث المجموع و از جهاتی که اشاره شد، می‌توانند مورد توجه و مطالعه و دقت خاصی قرار گیرند و در مطالعات تاریخ‌روایی و حماسی و اساطیری، یا از حیث تاریخ مسجل و مستدل این دوره بدانها توجه کرد.

درست است که در آثار اساطیری چون ذبیح‌الله صفا، منوچهر مرتضوی، مجتبی مینوی و دیگران به معرفی و بررسی اجمالی این آثار پرداخته شده است، اما از لحاظ اهمیت موضوع از دیدگاه اهم فالاهم جای بحث هنوز باقی است.

مادر این مقال، ضمن معرفی چند نمونه از این آثار ارزنده حماسی دوره دوم، حتی الامکان به معرفی اهم آنها خواهیم پرداخت و از لحاظ محتوایی و ارزش کلامی اجمالاً بیان می‌کنیم:

#### ۱- چنگیزنامه (شهنشاه‌نامه):

اثر احمد تبریزی، مشتمل بر هیجده هزار بیت و متضمن حوادث تاریخ مغول تا سنه ۷۳۸ هجری قمری است. این منظومه به سلطان ابوسعید موشح گشته و در بحر متقارب به شیوه شاهنامه فردوسی سروده شده است.

پرفسور ادوارد براون، ضمن اشاره به این اثر، درباره آن چنین اظهار نظر کرده‌اند: «... ظاهر آنه از لحاظ تاریخی و نه از حیث شعر امتیاز خاصی ندارد، لیکن اگر به دقت آن را مطالعه و تجربه نمایند تحقیقاً اطلاعات مفیدی راجع به این دوره که مورد بحث ماست، از آن می‌توان استخراج نمود.» (۲) نسخه نفیس خطی این منظومه - که استاد منوچهر مرتضوی بدان اشاره کرده‌اند (۳) - در ضمن مجموعه چهار منظومه که هر چهار در بحر متقارب سروده شده، تحت شماره «Or. 2780» در موزه بریتانیا محفوظ است. نسخه خطی مذکور شامل ۲۴۳ ورق به ترتیب مشتمل بر گزاشاسب‌نامه (ورق ۱-۴۰)، شهنشاه‌نامه (ورق ۴۱-۱۳۲)، بهمین‌نامه (ورق ۱۳۴-۱۸۷) و کورش‌نامه (ورق ۱۸۸-۲۴۳) و مورخ به تاریخ صفر ۸۰۰ هجری قمری است. (۴)

#### ۲- غازان‌نامه:

اثر نورالدین بن شمس‌الدین محمد است. مشخصات آن فقط در تاریخ ادبیات براون آمده

است. به قول بزاون این منظومه که مثنوی به بحر متقارب و به طرز و اسلوب شاهنامه فردوسی است، در سنه ۷۶۳ هجری قمری ساخته شده و این کتاب نیز، همچون شهنشاه نامه احمد تبریزی، نادر و کمیاب است. اما پرفسور براون این اثر را نیز همچون اثر پیشین دارای امتیاز خاصی نمی داند و اذعان می دارد که فقط از لحاظ مطالعات تاریخی عصر مزبور مورد توجه می تواند باشد (۵)

از این کتاب یک نسخه خطی در تملک پرفسور براون بوده که آن را به سال ۸۷۳ هجری قمری برای کتابخانه سلطان ابوالنصر حسن بگ بهادرخان استنساخ نموده اند، و آن را دکتر رضا توفیق که نماینده ادرنه در پارلمان ترکیه بوده، در ماه اوت ۱۹۰۹ م. به پرفسور براون هدیه کرده است. (۶)

### ۳- ظفرنامه:

اثر حمدالله مستوفی است، در بحر متقارب و به تقلید از شاهنامه فردوسی. وی یکی از نویسندگانی بود که در محافل ادبی رشیدالدین وزیر غازان شرکت داشت و از اطرافیان فاضل وزیر و پروردگان سایه حمایت او به شمار می آمد. زین الدین محمدبن تاج الدین، برادر حمدالله یکی از معاونین رشید بود

و ظاهراً حمدالله به وساطت او در حلقه ادبی که در پیشگاه وزیر بزرگ تشکیل می یافت، پذیرفته شد و طبق اظهار خودش ذوق تاریخ نویسی از برکت شرکت در این مجمع در او بیدار گردید و این تمایل در او به وجود آمد که به اقتباس از شاهنامه تقلیدناپذیر فردوسی، که خود نسخه ای از آن استنساخ کرده بود (۷)، تاریخ عمومی مفصلی از هجرت نبوی تا زمان خود منظوم سازد و در حقیقت شاهنامه فردوسی را تکمیل کند.

حمدالله در ضمن این کتاب، استعداد شاعری خود را انکار می کند و در مورد ارزش و شیوایی اشعار خود تردید دارد و می داند که مسلماً اشعار او موفقیت و مقبولیت ایبات بلند فردوسی را نخواهد داشت. وی در اثبات نظم این اثر، به تألیف «تاریخ گزیده» پرداخته و آن را تا سال ۷۳۰ هجری تألیف کرده است.

### ۴- تاریخ منظوم مغول:

اثر شمس الدین کاشانی است که آن را از آغاز دوره اساطیری و افسانه ای قوم مغول شروع و تا سلطان اولجایتو رسانده است. سراینده این تاریخ منظوم، که لاف شگفت ایجاد اثری قابل مقایسه با شاهنامه

فردوسی را می زند، با کمال انصاف حق وزیر رشیدالدین را ادا می کند. وی می گوید: خواجه رشیدالدین به فرمان غازان مأمور شد که اسناد و مواد

### □ چنگیزنامه (شهنشاهنامه) اثر

احمدی تبریزی (۷۸۳ ه.ق.)،

غازان نامه از نورالدین بن

شمس الدین محمد (۷۶۳ ه.ق.)،

ظفرنامه اثر احمد مستوفی،

تاریخ منظوم مغول اثر شمس الدین

کاشانی، تمرنامه (ظفرنامه

هاتفی) از عبدالله هاتفی،

تاریخ منظوم تیمور، سروده

شرف الدین علی یزدی،

شاهرخ نامه منظوم اثر میرزا قاسم

گنابادی و شاه جهان نامه کلیم،

سروده ابوطالب کلیم همدانی

آثاری اند که به تقلید از شاهنامه

پدید آمده اند.

رشیدالدین نیز اسناد و مدارک را جمع آوری کرد و این امر، مقدمه تألیف «تاریخ رشیدی» شد. در واقع کار شمس الدین که حاوی تقریباً ده هزار بیت است، خلاصه ای از تاریخ رشیدی به نظم است.

شمس الدین کاشانی در تمجید و ستایش خواجه رشیدالدین نکته ای فرو نگذاشته و از هیچ فرصتی برای بزرگداشت آن وزیر چشم پوشیده است و همواره خود را بنده درگاه خواجه رشیدالدین خوانده است.

ارادت ورزی فوق العاده و اخلاص و ستایش شمس الدین در حق خواجه رشیدالدین و اشاره صریح به اینکه نظم کتاب یا لافل بخش هایی از آن به تشویق و راهنمایی آن وزیر دانا بوده است، خود نشان از تأثیر خواجه در سرایش این اثر دارد.

تاریخ منظوم مغول از داستان انشعاب قوم ترک از یافت پسر نوح شروع می شود و ضمناً مطالبی درباره فقه اللغه عامیانه نام قبایل و اسامی ترک و مغول آمده است.

آثار تأثر شمس الدین از سبک بلند فردوسی به وضوح جلوه گر است و خود بارها بدان اشاره کرده است.

این منظومه از لحاظ شرح مطالب تاریخی بخصوص تشریح بعضی جزئیات و نکات راجع به حوادث حمله مغول نیز خالی از فایده نیست. (۸)

به گفته استاد منوچهر مرتضوی، یک نسخه و شاید منحصر به فرد از این کتاب موجود است که تحت شماره ۱۴۴۳ در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است. (۹)

### ۵- تمرنامه (ظفرنامه هاتفی):

اثر عبدالله هاتفی است. این تاریخ نیز با وجود کمال سبک و بلندی شعرش امروز در ایران حتی نزد کسانی که به تتبعات تاریخ ادبی مشغولند، ناشناس است.

تیمورنامه یا ظفرنامه شباهت هایی با کار بی توفیق شمس الدین کاشانی و حمدالله مستوفی دارد.

عبدالله هاتفی، خواهرزاده جامی، احتمالاً در دوره خود شاعری بود که مثنوی را نیک می سرود. او به اقتفا و تقلید از سبک اسکندرنامه نظامی تاریخ منظومی برای تقدیم به سلطان خراسان، حسین بایقرا درباره زندگی و تاریخ نیای او، امیر تیمور به رشته نظم کشید. وی، ظفرنامه شرف الدین علی

یزدی را به عنوان اساس و مأخذ اصلی تاریخ منظوم خود انتخاب کرده است.

هاتفی بارها در ضمن اثر خود، به فردوسی اشاره

تاریخ ترک و مغول را با استفاده از پولاد چینگ سانگ و دیگر دانایان به نثر گرد آورد تا از روی آن تاریخ منظومی پرداخته آید. خواجه



می‌کند و او را «سحر ساز» می‌خواند:

نخستین که فردوسی سحر ساز  
سخن راز شهنامه بستی طراز  
محیط معانی صدف وار بود  
صدفها پر از در شهواز بود...

مسلم است که هاتفی در سرودن «تمرنامه»، از این دو شاعر بزرگ، یعنی فردوسی و نظامی، هم از لحاظ موضوع و هم از حیث سبک و شیوه نظم اشعار متأثر شده است.

۶- تاریخ منظوم تیمور:

اثر شرف الدین علی یزدی است. وی در شعر «شرف» تخلص می‌کرد: در بعضی جنگ‌ها قطعاتی از اشعار او مسطور است. اشتها شرف الدین بیشتر به واسطه تاریخ معروف وی، به نام «ظفرنامه» است که آن را از روی تاریخ دیگری که از نظر زمانی مقدم و از لحاظ سبک ساده‌تر و شیواتر است، یعنی «ظفرنامه شامی» تألیف کرده، اما به منبع خود اشاره‌ای ننموده است. (۱۰)

تاریخ منظوم تیمور، که فقط استاد منوچهر مرتضوی اولین بار بدان اشاره فرموده‌اند، (۱۱) به کلی ناشناس مانده بود. این اثر برگرفته و متأثر از «تمرنامه هاتفی» است و شباهت‌های بسیار چشمگیری در آن وجود دارد.

از این تاریخ منظوم که به بحر متقارب سروده شده، یک نسخه در کتابخانه پاریس تحت شماره «Suppl. pers. 1766» محفوظ است. در فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس این شرح بسیار مختصر درباره نسخه مزبور آمده است: «تاریخ منظوم تیمور لنگ در بحر متقارب از شرف الدین علی یزدی (متوفی ۸۵۸ هـ / ۱۴۵۴ م.)، این منظومه به قصدرقابت با شاهنامه فردوسی سروده شده و ناچیزترین و پست‌ترین تقلیدهای حماسه فردوسی به شمار می‌رود... نسخه حاضر توسط مردی به نام درویش اسماعیل در نیمه دوم قرن هفدهم میلادی به خط نستعلیق ترکی نوشته شده و دارای ۶۰ ورق در ۱۳/۵ × ۲۲/۵ سانتیمتر است». (۱۲)

۷- شاهرخ‌نامه منظوم:

این منظومه که راجع به حوادث شاهرخ پسر امیر تیمور گورکان است، در عهد سلطنت صفویه سروده شده است.

شاهرخ‌نامه در حقیقت جزو خمسه میرزا قاسم گنابادی، ملقب به قاسمی، متوفی در حدود ۹۸۰ هجری به شمار می‌رود.

این خمسه، در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود و مشتمل بر منظومه‌های: شاهرخ‌نامه، شه‌نامه، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و کارنامه یا گوی و چوگان است.

نسخه مستقلی نیز از شاهرخ‌نامه، در ۱۵۹ ورق

## □ تاریخ منظوم تیمور

اثر شرف الدین علی یزدی است.

وی در شعر «شرف» تخلص

می‌کرد: در بعضی جنگ‌ها قطعاتی

از اشعار او مسطور است. اشتها

شرف الدین بیشتر به واسطه

تاریخ معروف وی، به نام

«ظفرنامه» است که آن را از روی

تاریخ دیگری که از نظر زمانی مقدم

و از لحاظ سبک ساده‌تر و شیواتر

است، یعنی «ظفرنامه شامی»

تألیف کرده، اما به منبع خود

اشاره‌ای ننموده است.

با تذهیب زیبایی در کتابخانه ملی پاریس وجود دارد که به تاریخ ۱۰۹۱ هجری مکتوب شده است. (۱۳) نسخ دیگری نیز از آثار قاسمی در کتابخانه‌های مختلف موجود است.

۸- شاه جهان‌نامه کلیم:

اثر ابوطالب کلیم همدانی است که در سنه ۱۰۲۸ هجری به هندوستان رفته و مورد التفات شاه جهان واقع و به لقب ملک الشعراپی مفتخر شده است. کلیم این شهنامه را به نام شاه جهان سروده و تاریخ تیموریان را از ابتدای سلطنت تیمور تا شاه جهان مفصلاً به وزن شاهنامه فردوسی به نظم آورده است. این منظومه را «شاه جهان‌نامه کلیم» نیز می‌گویند.

۹- شاهنشاه‌نامه:

اثر فتحعلی کاشانی متخلص به صبای کاشانی، شاعر دربار فتحعلیشاه است که آن را در شصت هزار بیت سروده است. اشعار شاهنشاه‌نامه با همه فاصله‌ای که از شعر فردوسی دارد، از شعر اسلاف فتحعلیخان صبا که از شاهنامه تقلید کرده‌اند، بلندتر است و رضاقلی خان هدایت و دیگر کسانی که توانسته‌اند شاهنشاه‌نامه را تورقی بکنند، بر علو سبک و کمال شعر آن گواهی داده‌اند، اما با وجود این مزایا و محاسن و رجحان آن بر دیگر آثار مقلدان شاهنامه فردوسی، نتوانسته است از افتادن این منظومه بزرگ در بوته نسیان و عدم قبول عامه جلوگیری کند. (۱۴)

۱- جهت اطلاع بیشتر، رک: مسایل عصر ایلخانان، صص ۵۵۲-۵۵۵.

۲- تاریخ ادبیات ایران، براون، ج ۳، ص ۱۲۶.

۳- مسایل عصر ایلخانان، ص ۵۵۶.

۴- رک: فهرست نسخ خطی فارسی موزه بریتانیا، شارل ریو، قسمت دوم از شماره مسلسل ۲۰۱، ص ۱۳۵؛ نقل از منبع پیشین.

۵- تاریخ ادبیات ایران، براون، ج ۳، صص ۱۲۶-۱۲۷.

۶- رک: همان، ص ۱۲۷.

۷- رک: فهرست ریو، ص ۱۷۲.

۸- رک: مسایل عصر ایلخانان، ص ۵۹۰ به بعد.

۹- رک: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس، ج ۳، ش ۱۵۰۹؛ نقل از منبع پیشین، ص ۵۹۱.

۱۰- رک: تاریخ ادبیات ایران، براون، ج ۳، صص ۲۹۳-۳۸۹؛ و نیز: فرهنگ سخنوران، خیامپور، ج ۱، ص ۲۹۶.

۱۱- رک: مسایل عصر ایلخانان، صص ۵۷۴ به بعد.

۱۲- رک: فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، ج ۳، ص ۲۶۶، ش ۱۶۶۹؛ نقل از: مسایل عصر ایلخانان ص ۵۸۰.

۱۳- فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، ج ۳، ص ۳۴۷-۳۴۸؛ به نقل از: مسایل عصر ایلخانان، صص ۵۶۸-۵۸۷.

۱۴- مسایل عصر ایلخانان، ص ۵۸۹.

۱- تاریخ ادبیات ایران (جلد ۳)، ادوارد براون، ترجمه فتح‌الله مجتبیایی، تهران، ۱۳۶۵.

۲- حماسه سرایی در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۳- فرهنگ سخنوران، دکتر عبدالرسول خیامپور، تهران، ۱۳۷۰.

۴- فهرستواره کتابهای فارسی (ج ۲)، احمد منزوی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، بی‌تا.

۵- فهرست نسخه‌های خطی فارس (ج ۶)، احمد منزوی، تهران مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، بی‌تا.

۶- مسایل عصر ایلخانان، منوچهر مرتضوی، تهران، تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.